راهنمای روزنامه‌نگاران حوزه کودک

تبعات و آسیب های روزنامه‌نگاری غیراصولی بر منافع و حقوق کودکان

مرکزعدالت
برای کودکان و نوجوانان

راهنمای روزنامه‌نگاران حوزه کودک

تبعات و آسیب های روزنامه‌نگاری غیراصولی بر منافع و حقوق کودکان

رونق شبکه‌های اجتماعی، و افزایش تولیدات رسانه‌ای، این پرسش را ایجاد کرده که آیا این گستردگی محتوا، منافع کودکان و نوجوانان را تامین می‌نماید و یا اینکه برای جلب توجه مخاطب در این بازار رقابتی از تصاویر و گزارش مسائل کودکان سوءاستفاده می‌شود؟

به نظر می‌رسد در فضای رسانه‌ای موجود، جلب توجه مخاطب پیچیده‌تر شده و در این پیچیدگی، کودکان بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. کودکان به دو دلیل، بیشتر مورد توجه رسانه‌ها در ایران و جهان هستند. نخست اینکه، کودکان در تحولات، نقش‌های اجتماعی و حتی سیاسی پیدا کرده‌اند و حتی می توان گفت تحولات را از آن خود ساخته‌اند و دوم اینکه کودکان همچنان متولی حمایت‌گری به عبارتی دیگر، آژانس رسمی و قدرتمند متولی حقوق خود ندارند.

از سوی دیگر، عمده حقوق کودکان در زمره اخلاقیات، بدون ضمانت اجرای دقیق و روشن، رها مانده است. منافع عالیه کودکان، منع خشونت علیه کودکان، حفظ حریم خصوصی آنها، امور مدرن و جدیدی هستند که از عرصه سنتی اخلاق، به عرصه حقوق راه یافته‌اند. دنیای حقوق دنیا بایدها و نبایدهاست، دنیای ممکن‌هاست، نمی‌توان در آن تعلیق داشت، تعلیق هر حقی، ممکن است برای صاحب حق، فاجعه‌ای ببار آورد.

از این رو توصیه‌های جدی و روشنی برای روزنامه‌نگاران در حوزه حقوق کودک ضروری است که به برخی از آن پرداخته می‌شود:

مبانی حقوقی منع اجازه انتشار تصاویر کودکان

اول: در مقدمه پیمان‌نامه حقوق کودک، در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، شناسایی حیثیت ذاتی، حقوق یکسان و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده، مبنای آزادی- عدالت و صلح در جهان شناخته شده، در نتیجه کودکان اعضای جامعه انسانی محسوب می‌شوند و رعایت شان و منزلت انسانی برای کودکان، الزامی است. کودکان مانند بزرگسالان از همه حقوق انسانی برخوردار هستند.

ممکن است به دلیل طفولیت و عدم توانایی، کودکان امکان تصرف در حقوق خود را نداشته باشند، اما این امر مانع تحقق حقوق آنها، بدون اینکه ضرورتی داشته باشد تا آنها اقدامی عملی انجام دهند، نیست.هیچ اتفاقی، منزلت انسانی، را در هیچ فردی، نابود نمی‌سازد. کودکان نیز همواره این شان ذاتی را با خود دارند. فقر والدین، آوارگی و حوادث مختلف مانند جنگ و بحران‌های اجتماعی و سیاسی، این حیثیت را مخدوش نمی‌سازد. تضمین رعایت این منزلت و شان انسانی، در مقررات مختلف به صورت بدیهی پیش‌بینی شده است.

متاسفانه در عمل این حق ذاتی مورد حمایت جدی و توجه اساسی واقع نمی‌شود. مثلا کودکان کار و خیابان در نظر برخی از مردم مانند کودکان مدارس بالای شهر نیستند. همین موضوع سبب می‌شود برخی دوربین بدست، برای کمک یا هر نیت دیگری، این دسته از کودکان را مانند نمایشگاه دائمی، سوژه گزارش‌های خود قرار دهند. از این شوربختانه‌تر جایی است که ممکن است در عمل رضایت ظاهری کودک نیز داشته باشند. اما منع انتشار تصاویر کودکان نه فقط در این مورد، بلکه در همه موارد یک منع اساسی است.

دوم: مبنای بعدی ممنوعیت انتشار تصاویر کودکان به حق حفظ حریم خصوصی آنان باز می‌گردد. منع انتشار تصاویر کودکان با یک فرمول بسیار ساده قابل درک است. آیا حریم خصوصی کودک با انتشار تصاویر او نقض می‌شود؟ بله به روشنی! آیا روزنامه‌نگار یا رسانه می‌تواند تصویر یک کودک کار که در حال گل دادن به یک دختر انقلابی است را منتشر کند؟ خیر؛ بدون رضایت او نمی‌تواند چنین کاری انجام دهد. حریم خصوصی کودکان ایجاب می‌کند حتی والدین از انتشار تصاویر کودکان خودداری کنند. کودکان سوژه نمایشگاه‌های ما نیستند.

سوم: پیشگیری از اعمال خشونت علیه کودکان؛ با انتشار تصاویر کودکان ممکن است برای آنها خشونت‌های متعددی رخ دهد، از آدم‌ربایی تا تعرض جنسی و قاچاق کودک، یا قاچاق اعضای بدن آنها! شاید به نظر آید چنین حدی از نگرانی، به فیلم هالیوودی یا سناریوسازی شبیه باشد، اما توجه کنید در دنیای حقوق، نهایت خشونت را باید حتی به شکل نادر دید.

اگـر مـا بـا قاچـاق و بهره‌کشـی جنسـی از کـودکان، به طـور روزانـه مواجه نیسـتیم، دلیل بـر نبود آن، در عالـم واقـع نیسـت. بـر اسـاس آمارهـای سـازمان ملـل، بیشـتر از ۲۰ میلیـون کـودک در جهـان، سـالانه مـورد بهره‌کشـی کاری و جنسـی قـرار می‌گیرنـد. پـس خطـر خشـونت و بزه‌دیده واقـع شـدن کـودکان در جرایم سـازمان‌یافته و آسـیب‌های افراد کـودک آزار، پدوفیـل وجود دارد.

چهـارم: رعایـت منافـع عالیـه کـودک؛ تضمیـن منافـع عالیـه کـودک ایجـاب می‌کند کـه آینده و شـرایط پیـش روی کـودکان مورد ملاحظه واقع شـده و در حـد امکان هنـگام اقدامی در خصوص کـودکان میـزان آن سـنجیده شـود. آیـا روزنامه‌نـگار ایـن ملاحظـات را دارنـد؟ اگـر دارنـد چگونـه انتشـار تصویـر دختـر یکـی از قربانیان اعتراضات اخیر که بدسـت نیروهای مسـلح کشـته شـده و کـودک او بـر شـانه مـردم شـعار می‌دهد و یـا بر خاک مـزار مادر چنـگ می‌زند را توجیـه می‌کنند؟ چـه مصلحـت و آینده‌نگـری در ایـن امـر وجـود دارد کـه بـه سـادگی عکـس و فیلـم ایـن کـودک در شـبکه‌های اجتماعـی دسـت بـه دسـت می‌شـود؟ پاسـخ بـه ایـن پرسـش سـاده اسـت، هیـچ منفعـت و مصلحتـی در ایـن روش نیسـت. این کودک انتخـاب نمی کنند و در آینده ممکن اسـت بـا ایـن تصویـر مخالفـت داشـته باشـند. مهمتـر اینکه ایـن تصاویر نشـان از ابـزار سـازی از کودک دارد کـه مغایـر منافع اوسـت.

پنجـم: عـلاوه بـر قوانیـن بین‌المللـی مـورد تعهـد حکومـت، مقـررات داخلـی نیـز امـکان انتشـار تصاویـر کـودکان را نمی‌دهـد. از جملـه قانـون آییـن دادرسـی کیفـری مقـرر سـاخته، رسـیدگی بـه پرونـده همـه اطفـال و نوجوانـان غیر علنی اسـت. انتشـار جریـان دادگاه و تصمیمـات دادگاه اطفـال و نوجوانـان ممنوع اسـت. قانـون جرایم یارانه‌ای نیـز محدودیت‌هایی برای انتشـار تصاویر کـودکان مقـرر کـرده اسـت. امـا متاسـفانه تـا زمانـی کـه جنایتـی رخ ندهـد و یـا حجابـی از سـر برداشـته نشـود، هیـچ نیـروی پلیسـی و هیـچ مدعی‌العمومـی، مداخلـه نمی‌کنـد.

تهدیدات ناشی از نقض حقوق کودکان

دنیـای حقـوق کـودکان، دنیـای بـدون متولـی مسـلم اسـت. خانواده‌هـا بـه عنـوان مهمتریـن حامیـان کـودکان، گاهـی در نقش حامـی و مطالبه‌گر حقـوق کـودکان، ورود می‌کنند و گاهی غفلت‌شـان مشـهود اسـت، که در این شرایط باید شـاهد پایمال شـدن حقوق کودکان باشـیم. امـا مهـم این اسـت کـه بدانیم نقض حقـوق کودکان، تهدیـدات مهمی را، به ایـن شرح، متوجه کودکان می‌سـازد:

۱- کودکان شامل همه افراد از تولد تا ۱۸ سالگی است.

بـدون تردیـد نوجـوان ۱۷ سـاله درک بسـیار بالایـی دارد، امـا همچنـان کـودک اسـت. بـه این نمونـه توجـه کنیـد. اخیرا ۳ نوجوان در شـعبه اول دادگاه انقلاب کرج بـه صورت علنی محاکمه شـدند و عکـس و فیلـم آنهـا بـه دنیا مخابره شـد. متهـمان، وکیل تسـخیری، والدیـن متهمان و رسـانه‌ها کوچکتریـن اعتراضـی بـه علنـی برگـزار شـدن دادگاه نکردنـد. رسـانه‌های وابسـته بـه حکومـت حتـی بـه توجیـه برگزاری محاکمه این سـه نوجـوان در دادگاه انقلاب بـه جای دادگاه اطفـال پرداختنـد. حـال آنکـه مطابـق قانـون و براسـاس حـق حفظ حریـم خصوصی کـودکان، نوجوانـان زیـر ۱۸ سـال نبایـد سـوژه پنهـان و آشـکار رسـانه‌ها شـوند. بلکـه هرگونـه گزارشـی در خصـوص نوجوانـان بایـد بـا تمهیداتـی خـاص صـورت پذیـرد کـه حقـوق کـودکان مخـدوش نشـود. نقـض حریـم خصوصـی کودکان، خشـونت علیه کودکان اسـت و نباید اجـازه داد چنین خشـونتی اسـتمرار یابـد ولی وقتی بدون رعایت قانـون، کودکی را در دادگاهـی علنی محاکمه می‌کنیـد یعنـی سـبب نقـض حریم خصوصـی او را فراهـم کرده‌ایـد و این قانون شـکنی، تعدی مکـرر بـه حقـوق کـودک را بـه همـراه دارد. به جای امیـد به برخورد بـا رسـانه‌های متخلف، تنها مـی تـوان امیـدوار بـود کـه برخی از کدهـای اخلاقـی فریادرس کودکان شـود.

۲- ابزارسـازی از تصاویـر کـودکان بـرای جلـب توجـه مخاطـب و یا سـاختن فرصتی برای اسـتفاده علیـه سرکوبگران جایز نیسـت.

نمی‌تـوان بـا نقـض یـک حق، به مطالبـه حق دیگری رفـت. نام‌هـا و تصاویر زیـادی از کودکان در جریـان اعتراضـات اخیـر منتـشر شـدند که جایـز نبودند. همچنـان که هدف وسـیله و روش رسـیدن بـه هـدف را توجیـه نمی‌کنـد، ضرورت دفـاع و محافظـت از حقـوق کـودکان، ایجـاب می‌کنـد تـا رسـانه صـدای حقـوق مغفـول مانده کـودکان باشـند تـا اسـتفاده ابـزاری از تصاویر آنهـا پایـان یابد.

۳- دانش‌آموزان قربانیان تخطی رسانه‌ها از حقوق کودکان در اعتراضات اخیر بودند.

در جریان اعتراضات، رسانه‌ها اعم از رسانه‌های وابسته و مخالف حکومت، سعی کردند از اعتراضات دانش‌آموزان بهره‌برداری کنند. یک دسته به نفع حکومت و دسته دیگر بر ضد حکومت. رویه‌ای که در موارد مشابه قبلی هم می‌شد آن را دید، جایی که رسانه‌ها سعی می‌کردند با تبلیغات جانبدارانه، دانش‌آموزان را به مراسم‌های حکومتی از جمله مراسم یادبود قاسم سلیمانی یا مراسم ۱۳ آبان ببرند و در طرف مقابل، رسانه‌های جریان مخالف حکومت با انتشار تصاویر دانش‌آموزان معترض، سبب شناسایی آنها شده و آنها را در موقعیت خطر قرار می‌دادند. اتفاقی که در موارد متعدد سبب شد نیروهای امنیتی ورود و نسبت به شناسایی و دستگیری دانش‌آموزان اقدام کند.

شوربختانه رسانه‌ها به مساله دانش‌آموزان از منظر حفظ حریم خصوصی آنها نگاه نکردند و گزارش‌های منتشره، نه رویکرد آموزشی بلکه جلب مخاطب را در پی داشت. از این حیث باید گفت آنچه برای رسانه‌ها در جریان حوادث اخیر مطرح نبود، حفاظت از کودکان و رعایت حقوق آنها بود.

۴- ارزش خبری تصاویر کودکان به میزان درد و رنجی است که حمل می‌کنند.

تاکنون پرونده نوجوانان بسیاری، در پی حوادث اخیر، در فضای خبری، دست به دست شده است. مسائل کودکان باید فرای ارزش خبری، مورد توجه قرار گیرد، ولی متاسفانه رسانه‌ها هنوز در انتشار مسائل کودکان به ارزش خبری بر اساس ارزش‌گذاری مادی، توجه نشان می‌دهند. مسائل کودکان هنوز براساس حقوق و نیاز به خدمات حقوقی و اطلاع‌رسانی به عنوان معین خدمات حقوقی، در نظر گرفته نمی‌شود. مسائل کودکان زمانی برای رسانه‌ها ارزش خبری دارد که بتوانند آن را به سوژه داغ تبدیل کنند و با سرد شدن تب یک مساله، کسی دیگر نه سراغ کودک را می‌گیرد نه خانواده او را.

اگر از خبرنگاران در مورد آرشیو پرونده‌های نوجوانان و میزان پیگیری خبرنگاران از این پرونده‌ها سوال شود، اکثر آنها پاسخ می‌دهند که هیچ پیگیری خاصی ندارند و سوژه‌ای را دنبال می‌کنند که جدید و مورد خواست مدیریت رسانه باشد. این واقعیت تلخ فضای رسانه‌ای است که مسائلی از کودکان مورد توجه قرار می‌گیرد که میزان بالایی از درد و رنج را حمل کند و آنها بتوانند سوداگری پر منفعتی از آن داشته باشند.

۵- فعالیت‌های غیراصولی رسانه‌ای، خشونت علیه کودکان را افزایش می‌دهد.

انتشار تصاویر کودکان و گزارش‌های غیراصولی رسانه‌ها، می‌تواند کودکان را در معرض انواع خشونت‌ها قرار دهد. حتی در مواقعی، والدین کودک، به این مهم توجه کافی ندارند و اقدام به انتشار تصاویر می‌کنند.

انواع مختلف خشونت از آزار جنسی و قلدری کردن تا رفتار خلاف منزلت انسانی، می‌تواند با انتشار تصاویر و گزارش‌های غیراصولی از کودکان، افزایش یابد.

از این حیث، روزنامه‌نگاران موظف هستند تا با فراگیری اصول تخصصی روزنامه‌نگاری کودک، و با افزایش آگاهی خود نسبت به استانداردهای حقوق کودکان، حریم خصوصی کودکان و نوجوانان را محترم شمرده و اخبار و گزارش‌های خود را بدون نیاز به ابزارسازی از آنها و یا آسیب به منزلت انسانی کودکان تهیه و منتشر کنند. پس برای هر روزنامه نگاری لازم است پیش از ورود به حوزه کودکان و تولید محتوا در این حوزه نسبت به فراگیری اصول روزنامه نگاری کودک و استانداردهای حقوق کودک، اقدام کند تا نه تنها از آسیب زدن به کودکان پرهیز کند، بلکه در راستای ارتقای حقوق کودکان و حفاظت از آنها بکوشد.

زمستان ۱۴۰۱